

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۷۱

سوره نساء (۴)

مقدمه

این سوره در «مدینه» نازل شده و دارای ۱۷۷ آیه است.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۷۳

سوره نساء

قبل از ورود در تفسیر آیات این سوره یادآوری چند نکته لازم است:

#### ۱- محل نزول سوره نساء

تمام آیات این سوره (به استثنای آیه ۵۸ طبق نقل بعضی از مفسران) در مدینه نازل شده است و از نظر ترتیب نزول بعد از سوره «ممتحنه» قرار دارد. زیرا می‌دانیم ترتیب کنونی سوره‌های قرآن مطابق ترتیب نزول سوره‌هانیست یعنی بسیاری از سوره‌هایی که در مکه نازل شده در آخر قرآن قرار دارد و بسیاری از سوره‌هایی که در مدینه نازل شده است در اوائل قرآن قرار گرفته. البته همانطور که در آغاز جلد اول گفتیم مدارکی در دست است که جمع‌آوری سوره‌های قرآن به شکل کنونی در زمان خود پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شده بنابراین به هنگام جمع‌آوری قرآن شخص پیامبر صلی الله علیه و آله به دلائل مختلفی از جمله اهمیت مطالب، و ترتیب طبیعی آنها، دستور داده است که سوره‌ها را بر طبق وضعی که الان می‌بینیم ترتیب دهند، که نخستین آنها سوره «حمد» و آخرین آنها سوره «الناس» است بدون اینکه کلمه و یا حتی حرفی از آیات و یا سوره‌ها کم و یا زیاد شود.

این سوره از نظر تعداد کلمات و حروف، طولانی‌ترین سوره‌های قرآن بعد از سوره «البقره» است و دارای ۱۷۷ آیه می‌باشد و نظر به اینکه بحث‌های فراوانی در مورد احکام و حقوق زنان در آن طرح شده به سوره «نساء» نامیده شده است.

#### ۲- محتویات این سوره

همانطور که گفتیم این سوره در مدینه نازل شده، یعنی به هنگامی که

## پیامبر صلی الله علیه و آله دست در کار تاسیس حکومت اسلامی و ایجاد یک جامعه سالم انسانی

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۷۴

بود، به همین دلیل بسیاری از قوانینی که در سالم سازی جامعه مؤثر است در این سوره نازل شده است.

از طرفی چون افرادی که تار و پود این جامعه نو پا را تشکیل می دادند، افراد بت پرست دیروز با آن همه آلودگیهای دوران جاهلیت بوده اند، لذا باید قبل از هر چیز رسوبات گذشته را از مغز و روح آنها بیرون ساخت و به جای آن قوانین و برنامه هایی که برای نوسازی یک جامعه فرسوده لازم است قرارداد.

بطور کلی بحثهای مختلفی که در این سوره می خوانیم عبارتند از:

- ۱ - دعوت به ایمان و عدالت و قطع رابطه دوستانه با دشمنان سرسخت.
- ۲ - قسمتی از سرگذشت پیشینیان برای آشنایی هر چه بیشتر به سرنوشت جامعه های ناسالم.
- ۳ - حمایت از کسانی که نیازمند به کمک هستند، مانند یتیمان، و دستورهای لازم برای نگهداری و مراقبت از حقوق آنها.
- ۴ - قانون ارث بر اساس یک روش طبیعی و عادلانه در برابر شکل بسیاری از نژادهای که در آن زمان داشت و به بهانه های مختلفی افراد ضعیف را محروم می ساختند.
- ۵ - قوانین مربوط به ازدواج و برنامه هایی برای حفظ عفت عمومی.
- ۶ - قوانین کلی برای حفظ اموال عمومی.
- ۷ - کنترل و نگهداری و بهسازی نخستین واحد اجتماع یعنی محیط خانواده.
- ۸ - حقوق و وظایف متقابل افراد جامعه در برابر یکدیگر.
- ۹ - معرفی دشمنان جامعه اسلامی و بیدار باش به مسلمانان در برابر آنها.
- ۱۰ - حکومت اسلامی و لزوم اطاعت از رهبر چنین حکومتی.
- ۱۱ - تشویق مسلمانان به مبارزه با دشمنان شناخته شده.
- ۱۲ - معرفی دشمنانی که احیاناً فعالیت های زیرزمینی داشتند.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۷۵

۱۳ - اهمیت هجرت و لزوم آن به هنگام روبرو شدن با یک جامعه فاسد و غیر قابل نفوذ.

۱۴ - مجدداً بحثهایی درباره ارث و لزوم تقسیم ثروتهای متراکم شده در میان وارثان.

### ۳ - فضیلت تلاوت این سوره

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله طبق روایتی فرمود: «هر کس سوره نساء را بخواند گویا به اندازه هر مسلمانی که طبق مفاد این سوره ارث می برد، در راه خدا اتفاق کرده است و همچنین پاداش کسی را که برده ای را آزاد کرده به او می دهند».

بدیهی است در این روایت و در تمام روایات مشابه آن، منظور تنها خواندن آیات نیست بلکه خواندن، مقدمه ای است برای فهم و درک، و آن نیز به نوبه خود مقدمه ای است برای پیاده ساختن آن در زندگی فردی و اجتماعی، و مسلم است که اگر مسلمانان از مفاد آیات این سوره در زندگی خود الهام بگیرند همه این پاداشها را علاوه بر نتایج دنیوی آن خواهند داشت.

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۷۷

### آیه ۱

### آیه و ترجمه

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث زوجها و بث منهما رجالا و نساء و اتقوا الله الذی تسئلون به و الارحام ان الله کان علیکم رقیبا

ترجمه :

بنام خداوند بخشنده بخشایشگر.

۱ - ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! که همه شما را از یک انسان آفرید، و همسر او را (نیز) از جنس خلق کرد، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می خواهید نام او را میبرید، (و نیز) از خویشاوندان خود (یعنی قطع ارتباط با آنها) بپرهیز کنید، زیرا خداوند مراقب شما است.

تفسیر :

### مبارزه با تبعیضها

روی سخن در نخستین آیه این سوره به تمام افراد انسان است زیرا محتویات

این سوره در حقیقت همان مسائلی است که تمام افراد بشر در زندگی خود به آن نیازمند هستند.

سپس دعوت به تقوی و پرهیزکاری می‌کند که ریشه اصلی برنامه‌های سالم‌سازی اجتماع می‌باشد، ادای حقوق یکدیگر، تقسیم عادلانه ارث، حمایت از یتیمان و رعایت حقوق خانوادگی و مانند اینها همه از اموری است که بدون پشتوانه تقوی و پرهیزکاری به جایی نمی‌رسد، لذا این سوره را - که محتوی همه این مسایل است - با دعوت به تقوی آغاز می‌کند، می‌فرماید: «ای مردم! از پروردگارتان بپرهیزید» (یا ایها الناس اتقوا ربکم).

سپس برای معرفی خدایی که نظارت بر تمام اعمال انسان دارد به یکی از صفات او اشاره می‌کند که ریشه وحدت اجتماعی بشر است «آن خدایی که همه شما را از یک انسان پدید آورد» (الذی خلقکم من نفس واحدة).

بنابراین امتیازات و افتخارات موهومی که هر دسته‌ای برای خود درست کرده‌اند از قبیل امتیازات نژادی، زبانی، منطقه‌ای، قبیله‌ای و مانند آن که امروز منشأ هزار گونه گرفتاری در جامعه‌هاست، در یک جامعه اسلامی نباید وجود داشته باشد چه اینکه همه از یک اصل سرچشمه گرفته و فرزندان یک پدر و مادرند و در آفرینش از یک گوهرند.

توجه به اینکه جامعه عصر پیامبر یک جامعه به تمام معنی قبیله‌ای بود اهمیت این مبارزه را روشنتر می‌سازد و نظیر این تعبیر در موارد دیگری از قرآن مجید نیز هست که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

اکنون ببینیم منظور از «نفس واحدة» کیست؟

آیا منظور از نفس واحده یک فرد شخصی است یا یک واحد نوعی (یعنی جنس مذکر) شکی نیست که ظاهر این تعبیر همان واحد شخصی را می‌رساند و اشاره به نخستین انسانی است که قرآن او را به نام آدم پدرانسانهای امروز معرفی

کرده و تعبیر «بنی آدم» که در آیات فراوانی از قرآن وارد شده نیز اشاره به همین است و احتمال اینکه منظور وحدت نوعی بوده باشد از ظاهر آیه بسیار دور است.

سپس در جمله بعد می گوید: «همسر آدم از او آفریده شد» (و خلق منها زوجها).

بعضی از مفسران از این تعبیر، چنین فهمیده اند که همسر آدم، «حوا» از بدن آدم آفریده شده و پاره ای از روایات غیر معتبر را که می گوید: «حوا از یکی از دنده های آدم آفریده شده» را شاهد بر آن گرفته اند - در فصل دوم از سفر تکوین تورات نیز به این معنی تصریح شده است. ولی با توجه به سایر آیات قرآن هر گونه ابهامی از تفسیر این آیه برداشته می شود و معلوم می شود که منظور از آن این است که خداوند همسر او را از جنس او (جنس بشر) آفرید.

در آیه ۲۱ سوره روم می خوانیم: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهما، از نشانه های قدرت خدا این است که همسران شما را از جنس شما قرار داد تا به وسیله آنها آرامش یابید».

و در آیه ۷۲ سوره نحل می فرماید: «و الله جعل لکم من انفسکم ازواجاً، خداوند همسران شما را از جنس شما قرار داد».

روشن است این که در این آیات می خوانیم «همسران شما را از شما قرار داد» معنی آن این است که از جنس شما قرار داد نه از اعضای بدن شما. و طبق روایتی که از امام باقر (علیه السلام) در تفسیر عیاشی نقل شده، خلقت حوا از یکی از دنده های آدم شدیداً تکذیب شده و تصریح گردیده که حوا از باقی مانده خاک آدم آفریده شده است.

سپس در جمله بعد می فرماید: «خداوند از آدم و همسرش، مردان و زنان فراوانی به وجود آورد» (و بث منهما رجالا کثیرا و نساء).

---

#### تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۸۰

از این تعبیر استفاده می شود که تکثیر نسل فرزندان آدم تنها از طریق آدم و همسرش صورت گرفته است و موجود ثالثی در آن دخالت نداشته است. سپس به خاطر اهمیت آنی که تقوا در ساختن زیربنای یک جامعه سالم دارد مجدداً در ذیل آیه، مردم را به پرهیزکاری و تقوا دعوت می کند منتها در اینجا جمله ای به آن اضافه کرده و می فرماید: «از خدایی پرهیزید که در نظر شما عظمت دارد و به هنگامی که می خواهید چیزی از دیگری طلب کنید نام او را می برید» (و اتقوا الله الذی تسألون به). قابل ذکر است که کلمه «و الارحام» عطف بر «الله» است، و لذا

در قرائت معروف، منصوب خوانده شده است و بنابراین معنی آیه چنین می‌شود  
«واتقوا الارحام»

به هر حال ذکر این موضوع در اینجا اولاً نشانه اهمیت فوق العاده‌ای است که قرآن برای صله رحم قایل شده تا آنجا که نام ارحام بعد از نام خدا آمده است، و ثانیاً اشاره به مطلبی است که در آغاز آیه ذکر شده و آن اینکه شما همه از یک پدر و مادرید و در حقیقت تمام فرزندان آدم خویشاوندان یکدیگرند و این پیوند و ارتباط ایجاب می‌کند که شما نسبت به همه انسانها هر نژاد و هر قبیله‌ای همانند بستگان فامیلی خود محبت بورزید.

در پایان آیه می‌افزاید: «خداوند مراقب شما است» (ان الله کان علیکم رقیباً).

---

### تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۸۱

و تمام اعمال و نیات شما را می‌بینید و می‌داند و در ضمن، نگهبان شما در برابر حوادث است.

«رقیب» در اصل به کسی می‌گویند که از محل مرتفعی به اوضاع نظارت کند و سپس، به معنی حافظ و نگهبان چیزی آمده است زیرا نگهبانی از لوازم نظارت است. بلندی محل رقیب ممکن است از نظر ظاهری بوده باشد که بر مکان مرتفعی قرار گیرد و نظارت کند و ممکن است از نظر معنوی بوده باشد.

ضمناً تعبیر به فعل ماضی «کان» در جمله فوق برای تاءکید است.

ازدواج فرزندان آدم چگونه بوده است؟

در آیه فوق خواندیم: «و بث منهم رجالا کثیرا و نساء، خداوند از آدم و همسرش مردان و زنان فراوانی به وجود آورد».

لازمه این سخن آن است که فرزندان آدم (برادر و خواهر) با هم ازدواج کرده باشند زیرا اگر آنها با نژاد دیگری ازدواج کرده باشند «منهما» (از آن دو) صادق نخواهد بود.

این موضوع در احادیث متعددی نیز وارد شده است و زیاد هم جای تعجب نیست چه اینکه طبق استدلالی که در بعضی از احادیث از ائمه اهل بیت نقل شده این ازدواجها مباح بوده زیرا هنوز حکم تحریم ازدواج خواهر و برادر نازل نشده بود، بدیهی است ممنوعیت یک کار، بسته به این است که از طرف خداوند تحریم شده باشد چه مانعی دارد که ضرورتها و مصالحی ایجاب

کند که در پاره‌ای از زمانها مطلبی جائز باشد و بعدا تحریم گردد. ولی در احادیث دیگری تصریح شده که فرزندان آدم هرگز با هم ازدواج نکرده‌اند و شدیداً به کسانی که معتقد به ازدواج آنها با یکدیگرند حمله شده است.

و اگر بنا باشد که در احادیث متعارض آنچه موافق ظاهر قرآن است ترجیح

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۸۲

دهیم باید احادیث دسته اول را انتخاب نمود زیرا موافق آیه فوق است. در اینجا احتمال دیگری نیز هست که گفته شود: فرزندان آدم با بازماندگان انسانهای پیشین ازدواج کرده‌اند زیرا طبق روایاتی آدم اولین انسان روی زمین نبوده، مطالعات علمی امروز نیز نشان می‌دهد که نوع انسان احتمالاً از چند ملیون سال قبل در کره زمین زندگی می‌کرده، در حالی که از تاریخ پیدایش آدم تاکنون زمان زیادی نمی‌گذرد، بنابراین باید قبول کنیم که قبل از آدم انسانهای دیگری در زمین می‌زیسته‌اند که به هنگام پیدایش آدم در حال انقراض بوده‌اند، چه مانعی دارد که فرزندان آدم با باقیمانده یکی از نسلهای پیشین ازدواج کرده باشد ولی همانطور که گفتیم این احتمال با ظاهر آیه فوق چندان سازگار نیست. - این بحث احتیاج به گفتگوی بیشتری دارد که از حوصله بحث تفسیری خارج است.

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۸۳

آیه ۲

آیه و ترجمه

۲ و اءتوا الیتامی اموالهم و لا تبدلوا الخبیث بالطیب و لا تاكلوا اءموالهم الی اموالکم انه کان حوباً کبیراً

ترجمه :

۲ - و اموال را (هنگامی که به حد رشد رسیدند) به آنها بدهید! و اموال بد (خود) را با اموال خوب (آنها) عوض نکنید! و اموال آنها را با اموال خودتان (با مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید، زیرا این گناه بزرگی است.

شان نزول :

شخصی از قبیله «بنی غطفان» برادر ثروتمندی داشت که از دنیا رفت، و او به عنوان سرپرستی از یتیمان برادر اموال او را به تصرف درآورد، و هنگامی که

برادرزاده به حد رشد رسید، از دادن حق او امتناع ورزید، موضوع را به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند، آیه نخست نازل گردید، و مرد غاصب بر اثر شنیدن آن توبه کرد و اموال را به صاحبش بازگرداند و گفت: «اعوذ بالله من الحوب الکبیر، به خدا پناه می برم از اینکه آلوده به گناه بزرگی شوم».

تفسیر :

### خیانت در اموال یتیمان ممنوع

در هر اجتماعی بر اثر حوادث گوناگون پدرانی از دنیا می روند و فرزندان صغیری از آنها باقی می مانند منتها در جوامع ناسالم که گرفتار جنگهای داخلی هستند، مانند جامعه عرب در زمان جاهلیت، تعداد اینگونه کودکان یتیم بسیار زیادتر است، که باید از طرف حکومت اسلامی و فرد مسلمانی، تحت حمایت قرار گیرند، در آیه فوق سه دستور مهم درباره اموال یتیمان داده شده است.

۱ - نخست دستور می دهد که: «اموال یتیمان را (به هنگامی که رشد پیدا کنند) به آنها بدهید» (و اتوا الیتامی اموالهم).

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۸۴

یعنی تصرف شما در این اموال تنها به عنوان امین و ناظر و وکیل است نه به عنوان یک مالک.

۲ - دستور بعد برای جلوگیری از حیف و میل هایی است، که گاهی سرپرست های یتیمان به بهانه اینکه تبدیل کردن مال به نفع یتیم است یا تفاوتی با هم ندارد، و یا اگر بماند ضایع می شود، اموال خوب و زبده یتیمان را برمی داشتند و اموال بد و نامرغوب خود را به جای آن می گذاشتند. قرآن می گوید: «و هیچ گاه اموال پاکیزه آنها را با اموال ناپاک و پست خود تبدیل نکنید» (و لا تبدلوا الخبیث بالطیب).

۳ - «و اموال آنها را با اموال خود نخورید» (و لا تاكلوا اموالهم الی اموالکم). یعنی اموال یتیمان را با اموال خود مخلوط نکنید بطوری که نتیجه اش تملک همه باشد، و یا اینکه اموال بد خود را با اموال خوب آنها مخلوط نسازید که نتیجه اش پایمال شدن حق یتیمان باشد.

در پایان آیه، برای تاءکید و اثبات اهمیت موضوع می فرماید: «اینگونه تعدی و تجاوز به اموال یتیمان گناه بزرگی است» (انه کان حوبا کبیرا).



«الحوبة» در اصل به معنی احتیاج و نیازی است که انسان را به گناه می‌کشاند، و از آنجا که تجاوزهای سرپرستان به اموال یتیمان، غالباً بر اثر نیاز و یا به بهانه احتیاج صورت می‌گیرد در آیه فوق به جای کلمه «اثم» (گناه) کلمه «حوب» به کار رفته است، تا اشاره‌ای به این حقیقت بوده باشد.

بررسی آیات مختلف قرآن نشان می‌دهد که اسلام اهمیت فوق‌العاده‌ای برای این موضوع قائل شده و با شدت تمام خیانت کنندگان در اموال یتیمان را به

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۸۵

مجازات‌های شدید تهدید می‌کند و با عباراتی محکم و قاطع سرپرستان را به مراقبت کامل از اموال یتیمان دعوت می‌کند، که شرح آن در همین سوره در چند آیه بعد و در ذیل آیات ۱۵۲ سوره انعام و ۳۴ سوره اسری خواهد آمد. لحن شدید این آیات به قدری در قلوب مسلمانان مؤثر واقع شد که حتی می‌ترسیدند غذای مشترکی برای خودشان و یتیمان درست کنند، به همین جهت غذای آنها را از غذای خود و فرزندان خویش جدا می‌ساختند، و این امر موجب ناراحتی هر دو طرف می‌شد لذا در آیه ۲۲۰ سوره بقره به آنها دستور داده شد که اگر هدفشان از مخلوط ساختن اموال یا غذای یتیمان با اموال یا غذای خود، خیرخواهی و اصلاح بوده باشد مانعی ندارد.

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۸۶

آیه ۳

آیه و ترجمه

۳ و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی وثلاث و رباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدة او ما ملکت ائیمانکم ذلک ادنی الاتعولوا  
ترجمه :

۳ - و اگر می‌ترسید از اینکه (به هنگام ازدواج با دختران یتیم)، عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمایید، دو یا سه یا چهار همسر، و اگر می‌ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آنها نیستید استفاده کنید. این کار، بهتر از ظلم و ستم جلوگیری میکند.

### شان نزول :

برای این آیه شآن نزول خاصی نقل شده و آن اینکه قبل از اسلام معمول بود که بسیاری از مردم حجاز، دختران یتیم را به عنوان تکفل و سرپرستی به خانه خود می بردند، و بعد با آنها ازدواج کرده و اموال آنها را هم تملک می کردند، و چون همه کار دست آنها بود حتی مهریه آنها را کمتر از معمول قرار می دادند، و هنگامی که کمترین ناراحتی از آنها پیدا می کردند به آسانی آنها را رها می ساختند و در حقیقت حاضر نبودند حتی به شکل یک همسر معمولی با آنها رفتار نمایند.

در این هنگام آیه فوق نازل شد و به سرپرستان ایتام دستور داد در صورتی با دختران یتیم ازدواج کنند که عدالت را بطور کامل درباره آنها رعایت نمایند و در غیر این صورت از آنها چشم پوشی کرده و همسران خود را از زنان دیگر انتخاب نمایند.

### تفسیر :

به دنبال دستوری که در آیه سابق برای حفظ اموال یتیمان داده شد در این آیه اشاره به یکی دیگر از حقوق آنها می شود و آن اینکه: «اگر می ترسید به هنگام

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۸۷

ازدواج با دختران یتیم رعایت حق و عدالت را درباره حقوق زوجیت و اموال آنان ننمایید از ازدواج با آنها چشم بپوشید و به سراغ زنان دیگر بروید» (و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء).  
با توجه با آنچه گفته شد تفسیر آیه کاملاً روشن است و پاسخ این سؤال که چرا آغاز آیه درباره یتیمان و پایان آن درباره ازدواج است و این دو ظاهراً باهم سازگار نیست روشن می گردد، زیرا صدر و ذیل آیه هر دو درباره ازدواج است منتها در آغاز آیه می گوید: اگر نمی توانید ازدواج با یتیمان را با اصول عدالت بیامیزید چه بهتر که از آن صرف نظر کنید سپس به سراغ زنان غیر یتیم بروید. گرچه مفسران در این زمینه، سخن بسیار گفته اند، ولی آنچه از خود آیه به دست می آید همان است که در بالا اشاره شد یعنی خطاب در آیه متوجه به سرپرستان ایتام است که در آیه قبل برای حفظ اموال یتیمان دستورهای مختلفی به آنها داده شده بود و در این آیه درباره ازدواج با یتیمان سخن می گوید که همانگونه که باید مراعات عدالت را درباره اموال آنها بنمایید در مورد ازدواج با دختران یتیم نیز با نهایت دقت رعایت مصلحت آنها

رابکنید، در غیر این صورت از ازدواج با آنها چشم پوشید و زنان دیگری انتخاب کنید.

از جمله شواهدی که تفسیر فوق را درباره آیه روشن می‌سازد آیه ۱۲۷ از همین سوره است که در آن صریحا مسأله رعایت عدالت را درباره ازدواج با دختران یتیم ذکر کرده است و توضیح آن در ذیل همان آیه خواهد آمد. روایاتی که در ذیل آیه در کتب مختلف نقل شده نیز گواه این تفسیر است. و اما روایتی که از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده که میان اول و آخر این آیه مقدار زیادی از قرآن بوده و حذف شده است به هیچ وجه از نظر سند اعتبار ندارد و

---

### تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۸۸

اینگونه احادیث که دلالت بر تحریف یا اسقاط قسمتهایی از قرآن می‌کند یا از مجعولات دشمنان اسلام و منافقان برای بی اعتبار جلوه دادن قرآن است و یا بعضی از افراد چون نتوانسته‌اند ارتباط آغاز و انجام آیه را درک کنند چنین پنداشته‌اند که در اینجا حذف یا اسقاطی در کار بوده و تدریجا آن را به شکل روایتی جلوه داده‌اند، در حالی که دانستیم جمله‌های آیه کاملا بایکدیگر ارتباط و پیوند دارد.

سپس می‌فرماید: «از آنها دو نفر یا سه نفر یا چهار نفر به همسری خودانتخاب کنید» (مثنی و ثلاث و رباع).

«مثنی» در لغت به معنی «دوتا دوتا» و «ثلاث» به معنی «سه تا

سه تا» و «رباع» به معنی «چهارتا چهارتا» می‌باشد.

از آنجا که روی سخن در آیه به همه مسلمانان است معنی آیه چنین می‌شود که شما برای دوری از ستم کردن در حق دختران یتیم می‌توانید از ازدواج آنها خودداری کنید و با زنانی ازدواج نمایید که موقعیت اجتماعی و فامیلی آنها به شما اجازه ستم کردن را نمی‌دهد و می‌توانید از آنها دو نفر یا سه نفر یا چهار نفر به همسری خود انتخاب کنید. منتها چون مخاطب، همه مسلمانان بوده است تعبیر به دوتا دوتا و مانند آن شده است.

و گرنه جای تردید نیست که حداکثر تعداد زوجات (آن هم با فراهم شدن شرائط خاصش) بیش از چهار نفر نیست.

ذکر این نکته نیز لازم است که «واو» در جمله بالا به معنی «او»

(یا) می‌باشد نه اینکه منظور این باشد که شما می‌توانید دو همسر به اضافه

سه‌همسر به اضافه چهار همسر که مجموع آنها نه نفر می‌شود انتخاب کنید زیرا اگر منظور این بود باید صریحا عدد نه ذکر شود نه به این صورت از هم‌گسسته و پیچیده بعلاوه از نظر فقه اسلام این مسأله جزو ضروریات است که زائد بر چهار همسر مطلقا ممنوع است.

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۸۹

به هر حال آیه فوق دلیل صریحی است بر مسأله جواز تعدد زوجات منتها با شرایطی که به زودی به آن اشاره خواهد شد. سپس بلافاصله می‌گوید: این در صورت حفظ عدالت کامل است «اما اگر نمی‌توانید عدالت را رعایت کنید به همان یک همسر اکتفا نمایید» تا از ظلم و ستم بر دیگران بر کنار باشید. (فان خفتم الا تعدلوا فواحدة). «و یا (به جای انتخاب همسر دوم) از کنیزی که مال شما است استفاده کنید» زیرا شرائط آنها سبکتر است (اگر چه آنها نیز باید از حقوق حقه خود برخوردار باشند) (او ما ملکت ایمانکم). «این کار (انتخاب یک همسر و یا انتخاب کنیز) از ظلم و ستم و انحراف از عدالت، بهتر جلوگیری می‌کند» (ذلک ادنی الا تعولوا). درباره مسأله بردگی و نظر اسلام در این زمینه در آیات مناسب بحث کافی خواهیم کرد.

منظور از عدالت درباره همسران چیست؟ اکنون پیش از آن که فلسفه حکم تعدد زوجات را در اسلام بدانیم لازم است این موضوع بررسی شود که منظور از عدالت که جزء شرایط تعدد همسر ذکر شده است چیست؟

آیا این عدالت مربوط به امور زندگی از قبیل هم‌خوابگی و وسایل زندگی و رفاه و آسایش است یا منظور عدالت در حریم قلب و عواطف انسانی نیز هست؟ شک نیست که عدالت در محبت‌های قلبی خارج از قدرت انسان است چه کسی می‌تواند محبت خود را که عوام‌لش در بیرون وجود اوست از هر نظر تحت کنترل درآورد؟ به همین دلیل رعایت این نوع عدالت را خداوند واجب‌نموده و در آیه ۱۲۹ همین سوره نساء می‌فرماید: «و لن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء و لو

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۹۰

حرصستم، شما هر قدر کوشش کنید نمی‌توانید در میان همسران خود (از نظر تمایلات قلبی) عدالت و مساوات برقرار سازید». بنابراین محبت‌های درونی مادامی که موجب ترجیح بعضی از همسران بر بعضی دیگر از جنبه‌های عملی نشود ممنوع نیست، آنچه مرد موظف به آن است رعایت عدالت در جنبه‌های عملی و خارجی است.

از این بیان روشن می‌شود: کسانی که خواسته‌اند از ضمیمه کردن آیه فوق «و ان خفتم الا تعدلوا فواحدة» به آیه ۱۲۹ «و لن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء و لو حرصتم» چنین نتیجه بگیرند که تعدد زوجات در اسلام مطلقاً ممنوع است، زیرا در آیه نخست آنرا مشروط به عدالت کرده، و در آیه دوم عدالت را برای مردان در این مورد امری محال دانسته است، سخت در اشتباهند. زیرا همان‌طور که اشاره شد عدالتی که مراعات آن از قدرت انسان بیرون است عدالت در تمایلات قلبی است، و این از شرائط تعدد زوجات نیست و آنچه از شرائط است عدالت در جنبه‌های عملی است.

گواه بر این موضوع ذیل آیه ۱۲۹ هم‌مین سوره می‌باشد آنجا که می‌گوید: «فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقه» یعنی: «اکنون که نمی‌توانید مساوات کامل در محبت میان همسران خود رعایت کنید لا اقل تمام تمایل قلبی خود را متوجه یک نفر از آنان نسازید که دیگری را به صورت بلا تکلیف در آورید».

نتیجه این‌که کسانی که قسمتی از این آیه را گرفته و قسمت دیگر را فراموش کرده‌اند گرفتار چنان اشتباهی در مساءله تعدد زوجات شده‌اند که برای هر محققى جای تعجب است.

از این گذشته از نظر فقه اسلامی و منابع مختلف آن در میان شیعه و اهل تسنن مساءله تعدد زوجات با شرائط آن جای گفتگو و چانه زدن نیست و از ضروریات فقه اسلام محسوب می‌شود.

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۹۱

اکنون برگردیم به فلسفه این حکم اسلامی (تعدد زوجات).

تعدد زوجات یک ضرورت اجتماعی است

آیه فوق مساءله تعدد زوجات را (با شرائط سنگینی و در حدود معینی) مجاز شمرده است و در اینجا با ایرادها و حملات مخالفان آن روبرو می‌شویم که با مطالبات زودگذر، و تحت احساسات حساب نشده به مخالفت با

این قانون اسلامی برخاسته‌اند مخصوصاً غربیها در این زمینه بما بیشتر ایراد می‌کنند که اسلام به - مردان اجازه داده برای خود «حرمسرا» بسازند و بطور نا محدود همسر بگیرند.

در حالی که نه اسلام اجازه تشکیل حرمسرا به آن معنی که آنها می‌پندارند داده، و نه تعدد زوجات را بدون قید و شرط و نا محدود قرار داده است.

توضیح اینکه: با مطالعه وضع محیطهای مختلف قبل از اسلام، به این نتیجه می‌رسیم که تعدد زوجات بطور نامحدود امری عادی بوده و حتی بعضی از مواقع بت پرستان به هنگام مسلمان شدن، بیش از ده زن و یا کمتر داشته‌اند، بنابراین تعدد زوجات از پیشنهادهای و ابتکارات اسلام نیست بلکه اسلام آن را در چهار چوبه ضرورت‌های زندگی انسانی محدود ساخته و برای آن قیود و شرائط سنگینی قائل شده است.

قوانین اسلام بر اساس نیازهای واقعی بشر دور می‌زند نه تبلیغات ظاهری و احساسات رهبری نشده، مسأله تعدد زوجات نیز از همین زاویه در اسلام مورد بررسی قرار گرفته، زیرا هیچ کس نمی‌تواند انکار کند که مردان در حوادث گوناگون زندگی بیش از زنان در خطر نابودی قرار دارند و در جنگ‌ها و حوادث دیگر قربانیان اصلی را آنها تشکیل می‌دهند.

---

#### تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۹۲

و نیز نمی‌توان انکار کرد که عمر زندگی جنسی مردان، از زنان طولانی‌تر است زیرا زنان در سنین معینی آمادگی جنسی خود را از دست می‌دهند در حالی که در مردان چنین نیست.

و نیز زنان به هنگام عادت ماهانه و قسمتی از دوران حمل، عملاً ممنوعیت جنسی دارند در حالی که در مردان این ممنوعیتها وجود ندارد. از همه گذشته زنانی هستند که همسران خود را به علل گوناگونی از دست می‌دهند و معمولاً نمی‌توانند به عنوان همسر اول، مورد توجه مردان قرار گیرند و اگر مسأله تعدد زوجات در کار نباشد آنها باید برای همیشه بدون همسر باقی‌بمانند همانطور که در مطبوعات مختلف می‌خوانیم که این دسته از زنان بیوه با محدود شدن مسأله تعدد زوجات از نابسامانی زندگی خود شکایت دارند و جلوگیری از تعدد را یک نوع احساسات ظالمانه درباره خود تلقی می‌کنند.

با در نظر گرفتن این واقعیتها در این گونه موارد که تعادل میان مرد و زن به عللی بهم می خورد ناچاریم یکی از سه راه را انتخاب کنیم:

۱ - مردان تنها به یک همسر در همه موارد قناعت کنند و زنان اضافی تاپایان عمر بدون همسر باقی بمانند و تمام نیازهای فطری و خواسته های درونی خود را سرکوب کنند.

۲ - مردان فقط دارای یک همسر قانونی باشند ولی روابط آزاد و نامشروع جنسی را با زنانی که بی شوهر مانده اند به شکل معشوقه برقرار سازند.

۳ - کسانی که قدرت دارند بیش از یک همسر را اداره کنند و از نظر «جسمی» و «مالی» و «اخلاقی» مشکلی برای آنها ایجاد نمی شود و قدرت بر اجراء عدالت کامل در میان همسران و فرزندان خود دارند به آنها اجازه داده شود که بیش از یک همسر برای خود انتخاب کنند. مسلما غیر از این سه راه، راه دیگری وجود ندارد.

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۹۳

اگر بخواهیم راه اول را انتخاب کنیم باید با فطرت و غرائز و نیازهای روحی و جسمی بشر به مبارزه برخیزیم و عواطف و احساسات اینگونه زنان رانادیده بگیریم، این مبارزهای است که پیروزی در آن نیست و به فرض که این طرح عملی شود جنبه های غیر انسانی آن بر هیچ کس مخفی نیست.

به تعبیر دیگر مسأله تعدد همسر را در موارد ضرورت نباید تنها از دریچه چشم همسر اول، مورد بررسی قرار داد، بلکه از دریچه چشم همسر دوم نیز باید مورد مطالعه قرار گیرد، و آنها که مشکلات همسر اول را در صورت تعدد زوجات عنوان می کنند کسانی هستند که یک مسأله سه زاویه ای راتنها از یک زاویه نگاه می کنند زیرا مسأله تعدد همسر، هم از زاویه دید مرد و هم از زاویه دید همسر اول و هم از زاویه دید همسر دوم باید مطالعه شود و با توجه به مصلحت مجموع، در این باره قضاوت کنیم.

و اگر راه دوم را انتخاب کنیم باید فحشاء را به رسمیت بشناسیم و تازه زنانی که به عنوان معشوقه مورد بهره برداری جنسی قرار می گیرند نه تاءمینی دارند و نه آینده ای، و شخصیت آنها در حقیقت لگدمال شده است و اینها اموری نیست که هیچ انسان عاقلی آنرا تجویز کند.

بنابراین تنها راه سوم باقی می ماند که هم بخواسته های فطری و نیازهای غریزی زنان پاسخ مثبت می دهد و هم از عواقب شوم فحشاء و



نابسامانی زندگی این دسته از زنان بر کنار است و جامعه را از گرداب گناه بیرون می‌برد. البته باید توجه داشت که جواز تعدد زوجات با اینکه در بعضی از موارد یک ضرورت اجتماعی است و از احکام مسلم اسلام محسوب می‌شود اما تحصیل شرائط آن در امروز با گذشته تفاوت بسیار پیدا کرده است، زیرا زندگی در سابق یک شکل ساده و بسیط داشت و لذا رعایت کامل مساوات بین زنان آسان بود و از عهده غالب افراد برمی‌آمد ولی در عصر و زمان ما باید کسانی که می‌خواهند از این قانون استفاده کنند مراقب عدالت همه جانبه باشند و اگر قدرت بر این کار دارند چنین اقدامی بنمایند. اساسا اقدام به این کار نباید از روی هوی و هوس باشد.

---

### تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۹۴

جالب توجه اینکه همان کسانی که با تعدد همسر مخالفند (مانند غربیها) در طول تاریخ خود، به حوادثی برخوردده‌اند که نیازشان را به این مسأله کاملاً آشکار ساخته است، مثلاً بعد از جنگ جهانی دوم احتیاج و نیاز شدیدی در ممالک جنگ‌زده، و مخصوصاً کشور آلمان، به این موضوع احساس شد و جمعی از متفکران آنها را وادار ساخت که برای چاره‌جویی و حل مشکل در مسأله ممنوعیت تعدد همسر، تجدید نظر کنند، و حتی برنامه تعدد زوجات اسلام را از دانشگاه «الازهر» خواستند و تحت مطالعه قرار دادند، ولی در برابر حملات سخت کلیسا مجبور به متوقف ساختن این برنامه شدند، و نتیجه آن همان فحشاء و حشمتناک و بیبند و باری جنسی وسیعی بود که سراسر کشورهای جنگ‌زده را فرا گرفت.

از همه اینها گذشته تمایل پاره‌ای از مردان را به تعدد همسر نمی‌توان انکار کرد، این تمایل اگر جنبه هوس داشته باشد قابل ملاحظه نیست اما گاهی می‌شود که بر اثر عقیم بودن زن، و علاقه شدید مرد به داشتن فرزند، این تمایل را منطقی می‌کند، و یا گاهی بر اثر تمایلات شدید جنسی و عدم توانایی همسر اول برای انجام این خواسته غریزی، مرد، خود را ناچار به ازدواج دوم می‌بیند، حتی اگر از طریق مشروع انجام نشود از طرق نامشروع، اقدام می‌کند در اینگونه موارد نیز نمی‌توان منطقی بودن خواسته مرد را انکار کرد، و لذا حتی در کشورهایی که تعدد همسر قانوناً ممنوع است، عملاً در بسیاری از موارد ارتباط با زنان متعدد رواج کامل دارد، و یک مرد در آن واحد با زنان متعددی ارتباط نامشروع دارد.



مورخ مشهور فرانسوی گوستا ولو بون قانون تعدد زوجات اسلام را که به صورت محدود و مشروط است یکی از مزایای این آئین می‌شمارد و به‌نگام مقایسه آن را روابط آزاد و نامشروع مردان، با چند زن، در اروپا چنین می‌نویسد:

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۹۵

«در غرب هم با وجود اینکه آب و هوا و وضع طبیعت هیچکدام ایجاب چنین رسمی (تعدد زوجات) نمی‌کند با این حال وحدت همسر چیزی است که ما آن را فقط در کتابهای قانون می‌بینیم! و الا گمان نمی‌کنم که بشود انکار کرد که در معاشرت واقعی ما اثری از این رسم نیست! راستی من متحیرم و نمی‌دانم که تعدد زوجات مشروع و محدود شرق، از تعدد زوجات سالوسانه غرب چه چیز کم دارد؟ بلکه من می‌گویم که اولی از هر حیث از دومی بهتر و شایسته‌تر است. البتّه نمی‌توان انکار کرد که بعضی از مسلمان نماها بدون رعایت روح اسلامی این قانون، از آن سوء استفاده کرده و برای خود حرم سراهای ننگینی بر پا نموده و به حقوق زنان و همسران خود تجاوز کرده‌اند، ولی این عیب از قانون نیست و اعمال آنها را نباید به حساب دستورهای اسلام گذاشت، کدام قانون خوبی است که افراد سودجو از آن، بهره‌برداری نامشروع نکرده‌اند؟

سؤال :

در اینجا بعضی سؤال می‌کنند که ممکن است شرائط و کیفیاتی که در بالا گفته شد برای زن یا زنانی پیدا شود آیا در این صورت می‌توان به او اجازه داد که دو شوهر برای خود انتخاب کنند؟

پاسخ :

جواب این سؤال چندان مشکل نیست. اولاً (بر خلاف آنچه در میان عوام معروف است) میل جنسی در مردان به مراتب بیش از زنان است و از جمله ناراحتیهائی که در کتب علمی مربوط به مسائل جنسی درباره غالب زنان ذکر می‌کنند مسأله «سرد مزاجی» است در حالی که در مردان، موضوع بر عکس است، و حتی در میان جانداران دیگر نیز همواره دیده می‌شود که تظاهرات جنسی، معمولاً از جنس نر شروع می‌شود.

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۹۶

ثانیاً تعدد همسر در مورد مردان هیچ گونه مشکل اجتماعی و حقوقی

ایجاد نمی‌کند در حالی که درباره زنان اگر فرضاً دو همسر انتخاب کنند، مشکلات فراوانی به وجود خواهد آمد که ساده‌ترین آنها مسأله مجهول بودن نسب‌فرزند است که معلوم نیست مربوط به کدام یک از دو همسر می‌باشد و مسلماً چنین فرزندی مورد حمایت هیچ یک از مردان قرار نخواهد گرفت و حتی بعضی از دانشمندان معتقدند: فرزندی که پدر او مجهول باشد کمتر مورد علاقه مادر قرار خواهد گرفت، و با این ترتیب چنین فرزندی از نظر عاطفی در محرومیت مطلق قرار می‌گیرند، و از نظر حقوقی نیز وضعشان کاملاً مبهم است.

و شاید نیاز به تذکر نداشته باشد که توسل به وسائل پیشگیری از انعقاد نطفه بوسیله قرص یا مانند آن، هیچگاه اطمینان بخش نیست و نمی‌تواند، دلیل قاطعی بر نیاوردن فرزند بوده باشد زیرا بسیاری از زنانی که از این وسائل استفاده کرده و یا در طرز استفاده، گرفتار اشتباه شده و فرزند پیدا کرده‌اند، بنابراین هیچ زنی نمی‌تواند به اعتماد آن، تن به تعدد همسر بدهد. روی این جهات، تعدد همسر برای زنان نمی‌تواند منطقی بوده باشد، در حالی که در مورد مردان، با توجه به شرائط آن، هم منطقی است و هم عملی است.

← بعد

↑ فرست

→ قبل